

کلفروشی جادویی؛ ۲

# نقشہ موفقیت جادویی

جینا مایر  
ترجمہ آزادہ نیازادہ  
تصویر گر: ژوئل تورلونیاس



نشر آفرینگان: ۲۶۸

## فهرست



۱. حادثه ..... ۷
۲. عیادت از بیمار ..... ۱۷
۳. کتاب ممنوعه ..... ۲۵
۴. گل مرواریدی جادویی ..... ۳۹
۵. زاک بی عرضه ..... ۵۱
۶. شیرینی مارزپیان ..... ۵۹
۷. دوشیزه پلومپ ..... ۶۹
۸. خبر تازه مهم ..... ۸۵



«اوه، لعنتی! آیییییی!»

صدای فریاد خاله ابی گیل توی راه پله آن قدر بلند بود که طنین آن حتی در گلفروشی هم پیچید. صدای فریاد طوری ویولت را ترساند که چیزی نمانده بود گلدان گل رُزموس، که می خواست همان موقع آن را در قفسه بگذارد، از دستش بیفتد زمین.

آقای بنینگز پیر واکرش را هل داد داخل مغازه و با صدای گرفته ای گفت: «ای داد بیداد! مثل این که اتفاقی افتاده.»

لیدی مادونا مرغ عشق فیروزه ای خاله ابی گیل فریاد کشید: «حیف، حیف، حیف!»

پرنده با نگرانی توی قفسش، که از بالای پیشخان مغازه آویزان بود، بالا و پایین پرید.

«من زود می روم ببینم چی شده.» ویولت گلدان گل رُزموس را موقتاً جایی گذاشت و مثل برق از در پشتی گلفروشی رفت بیرون.

چیزی نمانده بود ویولت روی خاله اش، که پای پله ها زمین خورده بود، بیفتد.